

## بعضی چیزها که از یک اعتصاب کوتاه می‌توان آموخت

اعتصاب ابزار مبارزه کارگر است. اگرچه ابزار تولید در تصاحب سرمایه‌دار است؛ اما کار که منبع سود آفرینی است در دستان کارگر است. از این روست که می‌تواند با توقف کار این منبع سود را بر سرمایه‌دار ببندد. بدون کار کارگران، ماشین آلات تولید تنها تکه‌هایی از آهن در گوشه‌ای از کارخانه هستند.

اما آیا هر کار نکردنی اعتصاب است و هر اعتصابی صحیح؟

اعتصاب جنگ کارگران برای دست‌یابی به شرایطی بهتر است؛ که می‌تواند گامی برای متشکل شدن آن‌ها در راستای آزادی‌نهایی کارشان از چنگال سرمایه‌دار باشد. اما دست‌کشیدن از کار اگر بدون برنامه و طرح و یا تنها به سبب کینه‌های به‌حق از کارفرما باشد هیچ نتیجه‌ای برای کارگران ندارد و تنها بهانه‌ای می‌شود در دست سرمایه‌دار برای سرکوب بیشتر کارگران.

در یکی از کارخانه‌های ایران که بی‌وقفه مشغول به تولید است، کارگران در دو شیفت کار می‌کنند. کارگران این کارخانه مجبور هستند دائم پای دستگاه بنشینند و دوازده ساعت یک کار تکراری را انجام دهند. بعد از تعدیل نیروهای متعدد، فشار کار برای کارگران باقی‌مانده در این کارخانه از حد تحمل خارج می‌شود. کارگران شیفت شب به علت فشار کاری تصمیم می‌گیرند، دستگاه‌ها را خاموش کنند و با اعتصاب صدایشان را به گوش سرمایه‌دار شرکت برسانند. پس از تماس نگهبان با سرمایه‌دار کارخانه، وی کارگران را به تعطیلی کارخانه تهدید می‌کند. کارفرما این اقدام کارگران را نمک‌شناسی می‌نامد و ادعا می‌کند که از نارضایتی کارگران بی‌اطلاع بوده است. کارگران در نتیجه تهدید مالک کارخانه، به اعتصاب کوتاه خود خاتمه می‌دهند و دوباره به سر کار باز می‌گردند. شاید در نگاه اول این اعتصاب چند دقیقه‌ای را نتوان اتفاق مهمی در روند مبارزه کارگران قلمداد کرد. اما همین رویداد‌های کوتاه و روزانه زندگی کارگران است که درس‌های مهمی به آن‌ها می‌آموزد و راه مناسب را برای برداشتن قدم‌های بزرگتر نشان داده و هموار می‌کند. از این مبارزات کوچک است که می‌آموزیم کارگران پیش‌تاز باید همیشه در بین کارگران حضوری زنده داشته باشند و از کوچک‌ترین اتفاق در محیط کار فرصتی برای آگاه کردن کارگران بسازند. بنابراین پرداختن به جزئی‌ترین مسایل محیط کار وظیفه کنونی هر پیش‌تاز طبقه کارگر است. در متشکل نبودن کارگران و سطح پایین مبارزه آنان شکی نیست؛ اما باید ضعف‌ها و کم‌وکاستی‌ها را نیز در همان سطح سنجدید. به قول رفیقی برای یاد گرفتن انتگرال ابتدا باید محاسبه ابتدایی مساحت را آموخت. بنا به همین ضرورت در ادامه متن به بررسی ضعف‌های این اعتراض و اعتصاب ناموفق کارگران در کارخانه یادشده می‌پردازیم.

### ۱. عدم تعیین مطالبات

پیش از اعتصاب لازم است کارگران خواسته‌های خود را روشن کرده و همگی بر سر حد و حدود این مطالبات به توافقی روشن دست یابند. روشن نبودن مطالبات کارگران موجب بروز چند دستگی میان آن‌ها در لحظه تصمیم‌گیری‌های حساس می‌شود. اما توافق جمعی و ازپیش مشخص بر سر مطالبات کارگران ناآگاه‌تر را نیز بر سر یک پیمان جمعی متحد می‌کند. با مطرح شدن نظرات کارگران می‌توان تردیدهای کارگران را شناخت و برای برطرف کردن آن‌ها اقدام کرد.

### ۲. نبود برنامه قبلی میان کارگران برای اعتصاب و خاموش کردن دستگاه‌ها

پیش از هر اعتراض جمعی‌ای لازم است که کارگران نوع و حدود اعتراض را برای خودشان روشن کنند. این عمل از دو جنبه اهمیت دارد. اول اینکه در میان راه دچار چند دستگی و بلا تکلیفی نشوند. دوم آنکه از این طریق چگونگی کار جمعی و هماهنگ شدن را برای به دست آوردن امتیازهای بزرگتر بیاموزند. به‌واقع نطفه‌های متشکل شدن کارگران

با همین قدم‌ها و این برنامه‌ریزی‌های ابتدایی شکل می‌گیرد. مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری برای یک عمل جمعی به آن‌ها می‌آموزد که منافع آن‌ها یکسان و در گرو عملی جمعی است. در این اعتصاب از آنجا که کارگران هیچ برنامه‌ای برای خود نداشتند، پس از اولین تهدید کارفرما جز شکستن اعتصاب راهی پیش پای خود نمی‌دیدند. همچنین اگر کارگران از قبل برنامه خود را با کارگران دیگر بخش‌ها و کارگران شیفت روز در میان می‌گذاشتند به یقین نتیجه بهتری از اعتراض خود کسب می‌کردند.

### ۳. غلبه احساسات در تصمیم‌گیری و عمل

هر اعتراض کارگری دو هدف دارد؛ یکی هدف کوتاه مدت است، یعنی به دست آوردن امتیازاتی از سرمایه‌دار و بهبود شرایط کاری. هدف دیگر اما بلند مدت است و آن اینکه اعتراض و اعتصاب‌های کوچک مسیری برای متشکل شدن کارگران می‌سازد. اعتراض‌های کارگری می‌بایست این دو هدف را دنبال کنند و نباید به عرصه‌ای برای تخلیه خشم و هیجانات لحظه‌ای کارگران تبدیل شوند. در این اعتصاب کارگران می‌توانستند در عوض واکنش لحظه‌ای خشمگینانه، ابتدا اعتراض خود نسبت به فشار زیاد کار را با وضوح و صراحت به مالک کارخانه منتقل کنند. چنین اقدامی بهانه کارفرما را مبنی بر بی‌اطلاعی از وضعیت کارخانه برمی‌چید و از منظر اخلاقی نیز کارفرما را در موضع ضعف قرار می‌داد و او دیگر نمی‌توانست بی‌مهابا با نمک نشناس خطاب کردن کارگران، صفی اعتراض شان را بشکند.